

المقدمة الثانية: في المواقيت

مقدمه دوم: وقت نمازها

والنظر في: مقاديرها، وأحكامها.

بحث در مورد زمانها و احكام آن است:

أما الأول: فما بين زوال الشمس إلى غروبها وقت للظهر والعصر، وتختص الظهر من أوله بمقدار أدائها، وكذلك العصر من آخره، وما بينهما من الوقت مشترك. وكذا إذا غربت الشمس دخل وقت المغرب، وتختص من أوله بمقدار ثلاث ركعات، ثم تشاركها العشاء حتى ينتصف الليل للمختار والى طلوع الفجر للمضطر. وتختص العشاء من آخر الوقت بمقدار أربع ركعات. وما بين طلوع الفجر الثاني - المستطير في الأفق - إلى طلوع الشمس وقت للصبح.

وقت نمازهای واجب روزانه: وقت نماز ظهر و عصر، از زوال آفتاب تا غروب آن است. وقت مخصوص نماز ظهر، از آغاز زوال به اندازه خواندن آن⁽¹⁾ می باشد، وقت مخصوص نماز عصر، به اندازه زمان اقامه آن تا غروب، و بین این دو زمان، وقت مشترک است.

همچنین با غروب خورشید وقت نماز مغرب شروع می شود، از اول غروب به مدت اقامه سه رکعت وقت مخصوص نماز مغرب است، سپس وقت مشترک نماز مغرب و عشا در حالت اختیار تا نیمه شب است ولی در حالت اضطرار تا طلوع فجر (اذان صبح) می باشد؛ و زمان مخصوص نماز

1- یعنی اقامه چهار رکعت در حضر و یا دو رکعت در سفر. (مترجم)

عشا به اندازه خواندن چهار رکعت مانده به آخر وقت می‌باشد.⁽²⁾ بین طلوع فجر دوم - فجر منتشر شده در افق - تا طلوع خورشید، وقت نماز صبح است.⁽³⁾

و يعلم الزوال بزيادة الظل بعد نقصانه، والغروب باستتار القرص، وانتظار زهاب الحمرة من المشرق أفضل لحصول الاطمئنان بسقوط القرص. وخير الأعمال الصلاة في أول وقتها، وصلاة العشاء الأفضل تأخيرها حتى زهاب الحمرة المغربية وصلاة العصر ساعة أو ساعتين عن زوال الشمس بحسب طول النهار وقصره.

زوال آفتاب وقتی فهمیده می‌شود که سایه شاخص بعد از رسیدن به کمترین حد خود، شروع به زیاد شدن کند. غروب نیز هنگام ناپدید شدن قرص خورشید است، اما بهتر است منتظر از بین رفتن سرخی افق از سمت مشرق بمانیم تا از ناپدید شدن خورشید اطمینان حاصل کنیم. بهترین اعمال، نماز اول وقت است. بهتر است نماز عشا تا از بین رفتن سرخی افق در سمت مغرب به تأخیر انداخته شود، و بهتر است تأخیر نماز عصر با توجه به کوتاهی یا بلندی روز، یک یا دو ساعت بعد از زوال خورشید باشد.

ووقت النوافل اليومية: للظهر من حين الزوال إلى نصف ساعة، وللعصر إلى ساعة ونصف أو ساعتين ونصف بحسب طول النهار، فإن خرج الوقت وقد تلبس من النافلة ولو بركعة زاحم بها الفريضة مخففة، وإن لم يكن صلى شيئاً بدأ بالفريضة ثم يأتي بالنافلة. ولا يجوز تقديمها على الزوال إلا يوم الجمعة. ويزاد في نافلتها أربع ركعات اثنتان منها للزوال. ونافلة المغرب بعدها إلى زهاب الحمرة المغربية بمقدار أداء الفريضة، فإن بلغ بذلك ولم يكن صلى النافلة أجمع بدأ بالفريضة. وركعتان من جلوس بعد العشاء، ويمتد وقتها بامتداد وقت الفريضة، وينبغي أن يجعلها خاتمة نوافله.

وقت نمازهای نافله روزانه:

2- نیمه شب شرعی، وسط وقت بین غروب آفتاب و طلوع فجر (اذان صبح) می‌باشد؛ مثلاً اگر غروب خورشید ساعت 6 عصر و اذان صبح ساعت 5 باشد، فاصله مابین آن دو، یازده ساعت است، نصف این مقدار که همان پنج ساعت و نیم است را به وقت غروب اضافه می‌کنیم (می‌شود 5/5+6) در نتیجه، نیمه شب می‌شود ساعت یازدهونیم. حال اگر کسی در حالت اختیار بود، وقت مختص نماز عشا به اندازه خواندن یک نماز عشا تا نیمه شب شرعی می‌باشد، اما اگر در حال اضطرار بود، تا طلوع فجر برای خواندن نماز عشا وقت دارد و وقت مختص نماز عشا به اندازه خواندن یک نماز عشا تا طلوع فجر است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 14)

3 - فجر دوم آن است که در افق منتشر شده و به آن متصل است و به آن فجر صادق نیز می‌گویند، زیرا هر کس آن را ببیند، می‌فهمد که پس از آن صبح خواهد بود، اما فجر اول این گونه نیست، بلکه روشنی‌ای است که در آسمان به طرف بالا منتشر شده است ولی به افق متصل نیست و به آن فجر کاذب می‌گویند، زیرا بعد از آن دوباره تاریکی برمی‌گردد. برای تشخیص فجر صادق به ترتیب، به یکی از این سه راه عمل می‌کنیم: اگر ممکن بود، از روی پخش شدن و انتشار روشنائی در افق به صورت متصل، می‌فهمیم که طلوع فجر صادق اتفاق افتاده است و اگر نشد، زمانی را که خورشید در 19 درجه زیر افق قرار دارد، فجر محاسبه می‌شود و اگر این راه هم نشد، 90 دقیقه قبل از سر زدن آفتاب، وقت فجر صادق می‌باشد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 14)

وقت نافله ظهر، از اذان ظهر، به مدت نیم ساعت، و وقت نافله نماز عصر با توجه به طول روز، یک ساعت و نیم یا دو ساعت و نیم (بعد از اذان ظهر) است. اگر شروع به خواندن نافله کرد و وقت آن تمام شد، حتی اگر یک رکعت خوانده باشد، نافله را به کوتاه‌ترین شکل، به اتمام برساند [و بعد از آن نماز واجبش را اقامه کند]؛ و اگر از نافله چیزی نخوانده بود، باید اول نماز واجب را بخواند و بعد از آن، نافله را به جا آورد. به جا آوردن نافله ظهر قبل از اذان ظهر جایز نیست، مگر در روز جمعه. به نافله‌های ظهر و عصر روز جمعه چهار رکعت افزوده می‌شود، که دو رکعت از آن هنگام اذان ظهر خوانده می‌شود.⁽⁴⁾

وقت نافله مغرب، بعد از نماز مغرب است تا زمانی که به مقدار خواندن نماز عشا تا ناپدید شدن سرخی سمت مغرب، وقت باقی مانده باشد.⁽⁵⁾ اگر سرخی از بین رفت و فرد شروع به خواندن نافله نکرده بود، ابتدا باید نماز واجب را ادا کند.

نافله عشا (وَتَّيْرَهُ) دو رکعت است که بعد از نماز عشا و به حالت نشسته خوانده می‌شود، و وقتش تا آخر وقت نماز واجب (عشا) ادامه دارد، و نیکوست که این دو رکعت را پایان نافله‌هایش قرار دهد.

وصلاة الليل بعد انتصافه، وكلما قرب من الفجر كان أفضل. ولا يجوز تقديمها على الانتصاف إلا لمسافر يصده جده، أو شاب يمنعه رطوبة رأسه وقضاؤها أفضل، وآخر وقتها طلوع الفجر الثاني. فإن طلع ولم يكن تلبس منها بأربع بدأ بركعتي الفجر قبل الفريضة حتى تطلع الحمرة المشرقية، فيشتغل بالفريضة. وإن كان قد تلبس بأربع تمهما مخففة ولو طلع الفجر. ووقت ركعتي الفجر بعد طلوع الفجر الأول، ويجوز أن يصليهما قبل ذلك، والأفضل إعادتهما بعده، ويمتد وقتهما حتى تطلع الحمرة، ثم تصير الفريضة أولى.

وقت نماز شب از نیمه شب شروع می‌شود و هر چه به فجر نزدیک‌تر باشد، بهتر است. خواندن نماز شب قبل از نیمه شب جایز نیست، مگر برای مسافری که به دلیل حرکت در شب نمی‌تواند آن را بعد از نیمه شب بخواند، یا جوانی که به دلیل خواب‌س‌نگین نتواند به موقع بیدار شود، گرچه قضای آن بهتر است. پایان وقت نماز نافله شب، اذان صبح است.

اگر اذان صبح شود و چهار رکعت از نماز شب را خوانده باشد، نمازهای نافله شب را به‌طور مختصر به پایان می‌رساند گرچه اذان صبح را گفته باشند، ولی اگر کمتر از چهار رکعت خوانده باشد

4 - برای اطلاع از کیفیت بیست رکعت نافله ظهر و عصر جمعه، به مبحث آداب نماز جمعه مراجعه شود. (مترجم)

5 - مثلاً ناپدید شدن سرخی سمت افق ساعت 19:00 می‌باشد و برای خواندن نماز عشا 5 دقیقه نیاز باشد. در این صورت بعد از خواندن نماز مغرب تا 18:55 برای

خواندن نافله مغرب وقت دارد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 17)

و اذان صبح شده باشد نافله صبح و سپس نماز صبح را می‌خواند. وقت نافله صبح، بعد از طلوع فجر اول (کاذب) است و قبل از طلوع فجر اول نیز خوانده می‌شود، ولی (اگر قبل از فجر اول خواند) تکرار آن مستحب است. وقت نافله صبح تا آغاز سرخی افق⁽⁶⁾ ادامه دارد، و بعد از آن، اولویت با نماز صبح است.⁽⁷⁾

ويجوز أن يقضي الفرائض الخمس في كل وقت ما لم يتضيق وقت الفريضة الحاضرة، وكذا يصلي بقية الصلوات المفروضات، ويصلي النوافل ما لم يدخل وقت فريضة، وكذا قضاؤها.

خواندن قضای نمازهای یومیّه و سایر نمازهای واجب در هر زمان جایز است، به شرطی که باعث تنگی وقت نماز واجب کنونی نشود (این حکم در مورد سایر نمازهای واجب نیز برقرار است). نافله‌ها و قضای نافله‌ها را نیز می‌تواند در هر زمانی بخواند، به شرطی که وقت نماز واجب داخل نشده باشد.

وأما أحكامها، ففيه مسائل:

احکام وقت نماز

هشت مسئله:

الأولى: إذا حصل أحد الأعذار المانعة من الصلاة كالجنون والحیض، وقد مضى من الوقت مقدار الطهارة وأداء الفريضة وجب عليه قضاؤها، ويسقط القضاء إذا كان دون ذلك. ولو زال المانع فإن أدرك الطهارة وركعة من الفريضة لزمه أداؤها ويكون مؤدياً، ولو أهمل قضى. ولو أدرك قبل الغروب أو قبل الفجر إحدى الفريضتين لزمته تلك لا غير، وإن أدرك الطهارة وخمس ركعات قبل الغروب لزمته الفريضتان.

اول: هرگاه یکی از عذرهایی که مانع نماز هستند - مثل جنون و حیض - برایش پیش بیاید و قبل از پیش آمدن آن درحالی که به اندازه طهارت و خواندن نماز از وقت اذان گذشته باشد، واجب است [بعد از برطرف شدن عذر]، قضای نماز را به جا آورد و اگر به اندازه طهارت و نماز از اذان نگذشته باشد قضا ساقط می‌شود. اگر عذرش [که مانع نماز است، دقایقی] قبل از اتمام وقت نماز برطرف

6 - به سرخی پدید آمده در طرف شرق افق قبل از طلوع آفتاب، حُمره مشرقیه می‌گویند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 18)

7 - اگر حُمره مشرقیه طلوع کرد، ابتدا نماز فریضه را می‌خواند، بعد از فریضه، اگر هنوز خورشید طلوع نکرده بود نافله را به نیت ادا می‌خواند و اگر خورشید طلوع

کرده بود و خواست نافله را به جا آورد، به نیت قضا می‌خواند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 18)

شود و به اندازه طهارت و خواندن یک رکعت از نماز وقت داشته باشد، باید نماز را به نیت ادا به جا آورد، و اگر کوتاهی کند⁽⁸⁾ باید بعداً قضایش را به جا آورد. اگر دقایقی قبل از غروب (برای نماز ظهر و عصر) یا قبل از فجر (برای نماز مغرب و عشا) عذرش برطرف شود و فقط به اندازه طهارت⁽⁹⁾ و اقامه یکی از دو نماز وقت داشت، باید همان نمازی که وقت مخصوصش است را بخواند؛⁽¹⁰⁾ و اگر قبل از غروب به اندازه طهارت و پنج رکعت نماز وقت داشت، باید هر دو نماز (ظهر و عصر) را بخواند.⁽¹¹⁾

الثانية: الصبي المتطوع بوظيفة الوقت، إذا بلغ بما لا يبطل الطهارة والوقت باق استأنف، وإن بقي من الوقت دون الركعة بنى على نافلة، ولا يجد نية الفرض.

دوم: نوجوانی که (قبل از بلوغ) نمازهایش را [به نیت استحباب] داوطلبانه سر وقت می خوانده، اگر با موردی که طهارت را باطل نمی کند، بالغ شود [مثلاً پانزده سال یا نه سالش کامل شود] و وقت نماز باقی مانده باشد، نمازش را دوباره [به نیت وجوب] بخواند، ولی اگر از وقت نماز کمتر از یک رکعت مانده باشد بر همان نیت مستحب که داشته است باقی بماند و تجدید نیت به نماز واجب نکند.

الثالثة: إذا كان له طريق إلى العلم بالوقت لم يجز له التعويل على الظن، فإن فقد العلم اجتهد، فإن غلب على ظنه دخول الوقت صلى فإن انكشف له فساد الظن قبل دخول الوقت استأنف، وإن كان الوقت دخل وهو متلبس ولو قبل التسليم لم يعد. ولو صلى قبل الوقت عامداً أو جاهلاً أو ناسياً كانت صلاته باطلة.

سوم: اگر انسان راهی داشته باشد که نسبت به وقت نماز یقین پیدا کند نمی تواند به ظن و گمان خود اکتفا نماید، اما اگر نتوانست نسبت به وقت نماز یقین پیدا کند باید کوشش نماید [تا نسبت به وقت نماز یقین یابد]؛ اگر ظن و گمان غالب برایش پدید آمد که وقت داخل شده است، نماز را بخواند؛ و اگر پیش از آنکه وقت داخل شود، فهمید که ظن و گمانش اشتباه بوده و هنوز وقت نماز نبوده است، [دو حالت دارد] اگر قبل از اینکه وقت نماز شود، نمازش تمام شد، باید بعد از اینکه

1- یعنی سریع نماز را بخواند و وقت تمام شود. (مترجم)

1- منظور از طهارت وضو، غسل یا تیمم است. (مترجم)

10- یعنی باید فقط عصر را بخواند، یا اگر قبل از آن صبح بود، فقط عشا را بخواند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 21)

3- اگر قبل از اذان صبح بود و به اندازه طهارت و چهار رکعت وقت داشت، باز هم باید هر دو نماز (مغرب و عشا) را بخواند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء

دوم، صلاة: ص 21)

وقتش شد نماز را دوباره بخواند؛ اما اگر وقت داخل شد و هنوز نمازش تمام نشده بود، حتی اگر فقط سلام نماز باقی مانده باشد، نیاز نیست نماز را دوباره بخواند. اگر کسی قبل از داخل شدن وقت نماز، عمداً یا نادانسته یا به سبب فراموشی نماز بخواند، نمازش باطل است.⁽¹²⁾

الرابعة: الفرائض اليومية مرتبة في القضاء بالنسبة لليوم الواحد، فلو دخل في فريضة فذكر أن عليه سابقة من نفس اليوم عدل بنيته ما دام العدول ممكناً، وإلا أستأنف المرتبة. أما بالنسبة ليومين مختلفين فلا يشترط الترتيب في القضاء، فله أن يقضي صلاة الصبح ليوم قبل أن يقضي الظهر ليوم سبقه.

چهارم: در بهجا آوردن نمازهای قضای یک روز، باید ترتیب را رعایت کرد، یعنی اگر خواندن یک نماز واجب را شروع کرد و به یاد آورد که نماز واجب قبل از آن را (که مربوط به همین روز بوده است) نخوانده است، تا وقتی که امکان برگشت وجود داشته باشد، باید از نیت خود به نیت نماز قبل بازگردد وگرنه باید [نماز قضا شده] مُترتَّب [بر نماز حاضر] را از نو بخواند.⁽¹³⁾ اما در قضای نمازهای دو روز مختلف ترتیب لازم نیست و مثلاً می‌توان نماز صبح یک روز را قبل از بهجا آوردن قضای نماز ظهر روز قبل از آن بهجا آورد.

الخامسة: لا تكرر النوافل المبتدأة عند طلوع الشمس، وعند غروبها، وعند قيامها، وبعد صلاة الصبح، وبعد صلاة العصر.

پنجم: اقامه نوافل مبتدئه⁽¹⁴⁾ هنگام طلوع خورشید و غروب و در طول روز و بعد از نماز صبح و عصر، مکروه نیست.

السادسة: ما يفوت من النوافل ليلاً يستحب تعجيله ولو في النهار، وما يفوت نهاراً يستحب تعجيله ولو ليلاً، ولا ينتظر بها النهار.

ششم: مستحب است نوافلی را که در شب انجام نداده است، هرچه سریعتر بهجا آورد، هرچند که در روز باشد و نوافل روز را هرچه سریعتر بهجا آورد، هرچند در شب باشد و منتظر روز نماند.

12 - اگر با شنیدن اذان نماز بخواند و بعد بفهمد هنوز وقت داخل نشده است، باید دوباره نمازش را بخواند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 22)

13 - مثلاً اگر فردی شروع به خواندن نماز ظهر کرد و به یاد آورد که نماز صبح آن روز را نخوانده است، تا وقتی وارد رکعت سوم نشده است وقت دارد به نیت نماز صبح قضا شده خود عدول کند، اما در رکعت سوم به بعد، دیگر این عدول ممکن نیست، در اینجا نماز ظهر را کامل کرده، سپس قضای صبح را بهجا می‌آورد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 23)

1 - نوافلی که دارای زمان و کیفیت خاصی نیستند و تنها برای نزدیکی به خداوند خوانده می‌شود. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص 23)

السابعة: الأفضل في كل صلاة أن يؤتى بها في أول وقتها، إلا المغرب والعشاء لمن أفاض من عرفات، فإن تأخيرها إلى المزدلفة أولى ولو صار إلى ربع الليل. والعشاء الأفضل تأخيرها حتى يسقط الشفق الأحمر. والمتنفل يؤخر الظهر والعصر حتى يأتي بنافلتهما. والمستحاضة تؤخر الظهر والمغرب.

هفتم: به جا آوردن همه نمازها در اول وقت بهتر است، به جز نماز مغرب و عشاء کسی که از عرفات (به سمت مزدلفه) به راه افتاده، که تأخیر انداختن آن تا وقتی به مزدلفه برسد بهتر است، هر چند که یک چهارم شب نیز گذشته باشد.

همچنین مستحب است نماز عشا را تا ناپدید شدن سرخی مغربی⁽¹⁵⁾ به تأخیر بیندازد. کسی که نافله میخواند نیز نماز ظهر و عصر را تا اقامه نوافل به تأخیر اندازد. همچنین زن مستحاضه نماز ظهر و مغرب را به تأخیر اندازد.⁽¹⁶⁾

الثامنة: لو ظن أنه صلى الظهر فاشتغل بالعصر، فإن ذكر وهو فيها عدل بنيته، وإن لم يذكر حتى فرغ فإن كان قد صلى في أول وقت الظهر عاد بعد أن يصلي الظهر، وإن كان في الوقت المشترك أو دخل وهو فيها أجزأته وأتى بالظهر.

هشتم: اگر به گمان اینکه نماز ظهرش را خوانده است نماز عصر را شروع کند، سپس در حال خواندن نماز عصر به یاد آورد که نماز ظهر را نخوانده است، نیت خود را به نماز ظهر تغییر دهد؛ و اگر به یاد نیابد و نماز عصر خود را تمام کرد، [دو حالت پیش میآید]: یا اقامه نماز عصر در اول وقت ظهر (وقت مخصوص ظهر) بوده است، که نمازش باطل است و باید نماز ظهر و سپس عصر را بخواند، و یا اینکه تمام یا بخشی از نماز در وقت مشترک دو نماز بوده است که در این حالت نماز عصر خوانده شده صحیح است و فقط نماز ظهر خود را به جا می آورد.

15- شَقَّق حُمْرَهُ مغربیه، سرخی پدید آمده در افق غربی پس از غروب آفتاب است. (مترجم)

3- زن مستحاضه‌ای که غسل کردن بر او واجب است، نماز ظهر را تا آخر وقتش به تأخیر میاندازد، تا بین آن و نماز عصر با یک غسل جمع نماید، همچنین نماز مغرب را تا آخر وقتش به تأخیر میاندازد تا بین نماز مغرب و عشا با یک غسل جمع کند. (مترجم)

